

## تأثیر برنامه‌نوسازی حکومت پهلوی دوم بر کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران (دهه‌های چهل و پنجاه شمسی)

محمدعلی اکبری\*

محمدحسن پورقنبر\*\*

### چکیده

این پژوهش به یکی از موضوعات اجتماعی-اقتصادی در تاریخ معاصر ایران یعنی کارکرد اقتصادی نهاد خانواده در نقاط شهری کشور طی دو دهه پایانی حکومت پهلوی، می‌پردازد. چنان‌که سعی شده است تا با تمرکز بر روی برنامه‌نوسازی حکومت پهلوی دوم طی دوره زمانی موردنظر، ارتباط و همبستگی این برنامه با تغییر میزان کارکرد اقتصادی خانواده ایرانی را تبیین نماید. واکاوی این مسئله، با کاربرد یک نظریه جامعه‌شناسی یعنی تئوری مدرنیزاسیون، و از طریق روش پژوهش کمی یعنی مبتنی بر داده‌های عمدتاً آماری و عددی انجام گردید، ضمن این‌که شیوه و ابزار گردآوری اطلاعات نیز مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی بوده، که با فیش‌برداری و محاسبه ارقام و داده‌های خام صورت پذیرفت. یافته‌های این تحقیق بیانگر این است، که رابطه منفی و معکوسی میان برنامه‌نوسازی حکومت پهلوی با کارکرد اقتصادی خانواده طی آن زمان وجود داشت، چنان‌که، هرچه دگرگونی اجتماعی-اقتصادی در ایران روند روبه رشد و افزایشی را طی می‌نمود، کارکرد اقتصادی خانواده سیر افولی را سپری می‌کرد.

**کلیدواژه‌ها:** حکومت پهلوی دوم، برنامه‌نوسازی، جامعه شهری ایران، کارکرد اقتصادی خانواده.

\* استاد گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، akbari39@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، mpourghanbar8@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲

## ۱. مقدمه

نهاد خانواده، به مثابه یکی از مهم‌ترین نهادها در جامعه سنتی ایران، دارای نقش و کارکرد ویژه‌ای در سامان اجتماعی جامعه محسوب می‌گردید، تا آنجا که گفته می‌شود نهاد مذکور در کنار دین و دولت، از گذشته تاکنون، سازنده جامعه ایرانی بوده، هر نوع تغییری در این جامعه، ریشه در خانواده دارد و اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی، یا به واسطه خانواده محقق شده یا این‌که جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۳). نهاد خانواده در ایران زمین تا آستانه انقلاب مشروطیت به همان سبک و سیاقی جلوه می‌کرد که به تدریج طی قرون قبل از آن شکل گرفته بود یعنی مبانی حقوقی‌اش بر اساس فقه شیعه قرار داشت، از نظر اقتصادی، همسو با مناسبات فئودالی برآمده از یک اقتصاد عقب‌مانده مبتنی بر شیوه تولید خرده‌کالایی و کشاورزی بود، و از جنبه فرهنگی نیز همراستا با یک جامعه بسته و محافظه‌کار با رویکردهای فکری سنتی و پدرسالارانه به نظر می‌آمد. با بروز انقلاب مشروطه در اواخر قرن ۱۳ شمسی، این رویداد سیاسی که البته به تدریج طی دهه‌های بعد از آن، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شاخصی در ایران به همراه آورد، مقدمه تحوّل برجسته در نهاد خانواده ایرانی گردید، چنان‌که، خانواده در ایران، به ویژه در مناطق شهری، که بیشتر در معرض نوگرایی و تجدّد قرار داشتند، وارد مرحله‌ای شد که می‌توان از آن به‌عنوان دوره تطوّر در خانواده ایرانی نامید. یکی از ابعاد خانواده که از این جریان مدرنیزاسیون تأثیر پذیرفت، کارکرد اقتصادی آن بود، زیرا با ظهور دو موج نسبتاً فراگیر و عظیم در راستای نوسازی اجتماعی-اقتصادی کشور توسط پهلوی اول و دوم، یکی در حدود دهه ۱۹۳۰م (۱۳۱۰ش) و دیگری نیز مقارن با دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰م (۱۳۴۰-۱۳۵۰ش)، کارکرد اقتصادی خانواده دچار تغییراتی گردید. این پژوهش، در پی ارائه تبیین نظری از نحوه تأثیرگذاری برنامه مدرنیزاسیون پهلوی دوم طی دو دهه چهل و پنجاه شمسی بر تغییر میزان کارکرد اقتصادی خانواده در همان مقطع زمانی می‌باشد. با این اوصاف، پژوهش پیش‌رو، بر محور سوال ذیل به رشته تحریر درآمده است:

۱- چه رابطه‌ای میان برنامه نوسازی حکومت پهلوی دوم و تغییر در کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران طی دو دهه موردنظر وجود دارد؟  
برای پاسخ به سوال فوق، نویسندگان این سطور، با رجوع به منابع موجود، و به‌کارگیری داده‌های عمدتاً کمی و ندرتاً کیفی، اطلاعات گردآوری‌شده را در چارچوب نظریه

مدرنیزاسیون قرار داده، به توضیح و تبیین ارتباط برنامه نوسازی پهلوی دوم با میزان کارکرد اقتصادی خانواده پرداختند. فرضیه ما نیز، مطابق تئوری مدرنیزاسیون، بر این اساس قرار دارد که کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران طی دو دهه موردبخت، روبه نزول نهاد.

در خصوص پیشینه این تحقیق هم باید عنوان نمود که، تاکنون هیچ کار پژوهشی با رویکرد تاریخی، اعم از کاربرد روش کمی یا کیفی، راجع به این موضوع انجام نشده است، ازین رو، مقاله پیش رو، می تواند در نوع خود، بدیع به شمار آید.

## ۲. چارچوب نظری

تئوری مدرنیزاسیون به منزله نظریه موردکاربرد در این پژوهش، بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن باعث دگرگونی‌هایی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد جامعه شده، که این خود موجب تغییراتی در ارزش‌ها، انتظارات، تمایلات و خواسته‌های افراد جامعه می‌گردد. بر اساس اظهار نظریه پردازان این حوزه، گرچه جوامع پیشاصنعتی از تنوع و وجوه تفاوت زیادی برخوردارند، اما می‌شود از الگوی یکسان و مشابهی در راستای توصیف یک جامعه مدرن و صنعتی صحبت نمود، الگویی که همه جوامع می‌توانند از طریق توسعه اقتصادی در مسیر آن گام بردارند. توسعه، نشانه‌هایی از دگرگونی را به همراه می‌آورد، که نه فقط صنعتی شدن، بلکه شهرنشینی، آموزش و پرورش مدرن و همگانی، تخصصی شدن مشاغل، و جلوه‌های دیگر پیشرفت و ترقی را در بر می‌گیرد، که این پدیده‌ها هر یک به نوبه خود با تحول در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پیوند دارد. بنابر اعتقاد برخی صاحب نظران عرصه جامعه‌شناسی، خانواده یکی از نهادهای خرد جامعه به شمار می‌آید که متأثر از این تحولات اجتماعی-اقتصادی در سطح کلان، دچار تطور و دگرگونی می‌گردد (گود، ۱۹۶۳؛ کاواس و تورنتون، ۲۰۱۳؛ محمدپور و صادقی، ۱۳۸۸؛ زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲).

در تعریف کارکرد خانواده می‌توان گفت، مجموعه فعالیت‌هایی است که این نهاد در راستای برآوردن نیازهای نظام اجتماعی انجام می‌دهد. بر اساس تئوری مدرنیزاسیون، با روند توسعه و ترقی در جامعه، از کارکرد خانواده در زمینه‌های مختلف اعم از اقتصادی، آموزشی، مراقبتی کاسته خواهد شد، چرا که در یک جامعه توسعه یافته، تفکیک کارکردی عناصر ساختی به صورت کامل انجام پذیرفته، بخشی از کارکردهای خانواده به نهادهای

۴ تأثیر برنامه نوسازی حکومت پهلوی دوم بر کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران ...

متخصص واگذار می‌شود (تینگ، ۲۰۱۲: ۳۷؛ زاهدی و نایی، ۱۳۹۲: ۵۸؛ نازک‌تبار و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۲ و ۱۳۰). در مقوله کارکرد اقتصادی خانواده باید عنوان نمود که تا پیش از دوره معاصر که جامعه هنوز صبغه مدرنی نگرفته بود، اقتصاد کشاورزی مبتنی بر سیستم فئودالی در مناطق روستایی، و نظام صنفی و خرده‌کالایی بر اساس روش تولید سنتی و دستی در شهرها رواج داشت، خانواده در زمره یک واحد تولیدی مهم تلقی می‌گردید، چنان‌که اکثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر بر روی زمین کشاورزی یا در درون خانه یا مغازه‌های کوچک با محوریت صنایع دستی مشغول فعالیت بوده، در بدست آوردن درآمد خانوادگی مشارکت داشتند. اما با گسترش اقتصاد صنعتی و ورود به دنیای مدرن، تخصص و تقسیم کار در مشاغل، جایگاه برجسته‌ای پیدا کرد. اعضای خانواده در راستای یافتن شغلی مناسب در چارچوب یک جامعه مدرن با اقتصاد سرمایه‌داری، روانه بیرون از محیط خانه شدند، ازین رو، خانواده جدید، به تدریج جنبه تولیدی خود را از دست داده، به مثابه واحدی مصرفی تلقی گردید (بیروالد، ۱۹۵۵: ۱۱۸-۱۲۱؛ کانینگ و دیگران، بی تا: ۱-۲؛ پوپنو، ۲۰۱۲: ۶۸-۶۹).

### ۳. اجرای پروژه مدرنیزاسیون در ایران (برنامه‌های سوم الی پنجم توسعه)

همان‌طور که پیشتر آورده شد، ایران طی دوران پهلوی اول و دوم، با دو جریان گسترده تجدیدسازی روبرو گردید. این دو جریان، پیامدهای قابل توجهی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی به بار آورده و جامعه ایران را از تبعات خود بی‌نصیب نگذاشتند. موج دوم تجدیدسازی که از ابتدای دهه چهل آغاز شده، دامنه آن از موج نخست نیز وسیع‌تر بود و تحولات برجسته‌ای را در ایران موجب گردید، در قالب یک اقتصاد برنامه‌ای متشکل از برنامه‌های عمرانی سوم، چهارم و پنجم طی سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۵۶ش تدوین و به اجرا درآمد. برنامه‌هایی که قرار بود اقتصاد ایران را از وضعیت سنتی بر مبنای اقتصاد کشاورزی و نظام فئودالی به وضعیت شبه‌مدرن با سیطره بخش صنعت و مناسبات سرمایه‌داری دگرگون کرده، و اجتماع ایران را از یک ساختار سنتی مبتنی بر جامعه بسته روستایی به یک جامعه باز و نسبتاً نوین بر محوریت شهرنشینی تغییر دهد.

### ۱.۳ زمینه اجرای برنامه نوسازی

با بروز کودتای مردادماه ۱۳۳۲ش ثباتی توأم با اختناق سیاسی بر ایران سایه افکند، اما علی‌رغم این پایداری اوضاع سیاسی و تحصیل فزاینده درآمد نفتی، به تدریج از نیمه دوم دهه سی شمسی، رکود اقتصادی کم سابقه‌ای بر کشور حکمفرما شد، همچنان‌که در گزارش سفارت انگلیس به وزارت خارجه آن کشور مورخ بهمن‌ماه ۱۳۳۶ش چنین آمده است:

برداشت محصولات کشاورزی در ایران بی سابقه بوده است، اما این مسئله نمی‌تواند تأثیر چندان مثبتی بر وضعیت وخیم بودجه کشور داشته باشد. اکنون روشن شده است ایران در سال مالی جاری (۱۹۵۷-۱۹۵۸) کسری بودجه چشمگیری خواهد داشت. همچنین به نظر می‌رسد ایران در سال مالی آینده نیز با کسری بودجه‌ای به مراتب بیشتر مواجه خواهد شد. کسری بودجه از تصمیم امریکا مبنی بر قطع کمک‌های بودجه‌ای به ایران و کاهش میزان درآمدهای نفتی تخصیصی به بودجه ملی ناشی می‌شود. همچنین به علت افزایش دستمزد نیروهای مسلح و کارکنان دولت، هزینه‌ها نیز به میزان زیادی افزایش یافته است (بارل، ۱۳۸۹: ۷۳۱-۷۳۲)

همچنین بنابر اظهار یکی از کارشناسان اقتصاد و برنامه‌ریزی که به عنوان عضوی از گروه مشاورین هاروارد، در اواخر دهه ۱۳۳۰ش روانه ایران شده بود:

به محض شروع برنامه توسعه در ۱۹۵۶ (۱۳۳۵) واردات به سرعت افزایش یافت، بسیار سریع‌تر از ظرفیت کشور برای پرداخت آن. در اواخر سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) کشور با شرایط بسیار سختی مواجه بود و سیاست‌های اصلاحی ناراحت‌کننده‌ای باید اجرا می‌شدند (بنگرید به: بالدوین، ۱۳۹۴: ۹۷-۱۲۰).

این وضعیت رکود اقتصادی، ثبات سیاسی را به خطر انداخته، جامعه را در حالت خیزش قرار داد که این امر نه تنها سردمداران حکومتی بلکه حامیان خارجی حکومت پهلوی را هم دچار نگرانی نمود، به طوری‌که در گزارش سفارت انگلیس طی میانه سال ۱۳۳۷ش چنین آورده شد:

تناقضی که در ایران امروز به چشم می‌خورد، این است که تقریباً تمام اقشار مردم به طور کامل از رژیم کنونی ناراضی‌اند، اما شاه اخیراً ادعا کرده است ایران یکی از باثبات‌ترین کشورهای منطقه است. البته این گفته او از برخی جهات درست است. ابراز

رضایت‌های عمومی که از شاه صورت می‌گیرد و متأسفانه تنها بخشی از آن، واقعی است، با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد. ثبات شکننده‌ای که در کشور حکمفرماست، از رضایت عمومی ناشی نمی‌شود، بلکه نتیجه نبود مخالفت سازمان‌یافته و حضور فراگیر نیروهای حافظ نظم و قانون است (بارل، همان: ۷۵۶).

این روند وخیم و متلاطم تا پایان دهه سی تداوم پیدا کرد و حتی بر شدت آن نیز افزوده شد، چرا که در کنار اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی، وضعیت سیاسی ایران نیز در سال ۱۳۳۹ش با دخالت آشکار دربار سلطنتی در انتخابات مجلس ملی، رو به وخامت نهاد، انتقادات فراوانی نسبت به دخالت آشکار دولت و دستکاری در انتخابات وجود داشت: «عدم رضایت سیاسی در انجام انتخابات، رشد نگرانی نسبت به افزایش قیمت‌ها و وضعیت اقتصادی کاملاً غیرقابل قبول، و پیدایش یک گروه مخالف باهوش در دوره انتخابات زمستانی یعنی جبهه ملی، موجب تشدید بی‌ثباتی سیاسی در کشور گردید (اسناد لانه، ۱۳۸۶: ۳۰۳). فشارهای خارجی بر دربار پهلوی به‌منظور ایجاد تحرک سیاسی و بازنگری در مسائل اقتصادی-اجتماعی تشدید گردید، تا بدین وسیله بتوانند بحران را در نطفه خفه نموده و با انجام اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی، در اوج جنگ سرد با شوروی، یک سدّ حفاظتی در برابر تهدیدات کمونیستی در ایران ایجاد گردد. بررسی‌های سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) نشان داد اگر شاه با شرایط فعلی داخلی دست به اصلاحات نزند، ظرف مدت اندکی سقوط می‌کند (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۱۷۰). در این زمان، حزب دموکرات در ایالات متحده روی کار آمد، آنان قصد داشتند تا حمایت کامل و همه‌جانبه امریکا از دولت‌های غیردموکراتیک من جمله ایران را به خاطر آسیب‌پذیری ساختار اجتماعی-سیاسی آن و نیز هراس از رخنه کمونیسم به شدت محدود نمایند. با این اوصاف، محمدرضا پهلوی بالاجبار، در اوایل سال ۱۳۴۰ش علی‌امینی به نخست‌وزیری منصوب کرد (پهلوی، ۱۳۷۱: ۴۳۲)، تا شاید او بتواند سروسامانی به اوضاع پریشان اجتماعی و اقتصادی کشور بدهد، اما ظاهراً وضعیت، آشفته‌تر از آن بود که کاری از دست امینی برآید، چنان‌که برخی حامیان غربی حکومت پهلوی نیز بر آن واقف بوده، به این نکته اذعان نمودند:

مشکلات اقتصادی گذرا بوده و پیامد مشکلات بنیادی‌تر سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند. دکتر امینی، یا هر کس دیگر باید ابزارهای سوق‌دادن ایران به سوی تبدیل شدن به یک جامعه نوین را پیدا کند. توسعه اقتصادی در ایران پایه‌پای تحولات

اقتصادی و تغییرات محیط پیرامونی حرکت نکرده است. نظام آموزش، ناکارآمد بوده و از تناسب لازم با نیازهای کشور برخوردار نیست. دستگاه‌های دولتی، ناکارآمد، ناتوان و عمدتاً فاسد هستند ... با توجه به این همه کاستی‌ها در ایران، می‌توان گفت این کشور بستر مناسبی برای نفوذ کمونیسم است و اگر به خاطر زندگی عشایری و طایفه‌ای در بخش‌های گسترده‌ای از ایران، زندگی روستایی سنتی، اطاعت منفعلانه آرامش مردم و حضور جدی نیروهای امنیتی نبود، ایران تا به حال تحت سیطره کمونیست‌ها در می‌آمد (بارل، همان: ۸۳۸).

با این حال، دولت نوپا و دموکرات جان‌کنیدی در امریکا مُصرّانه خواستار آن بود تا به جای پروژه مساعدت نظامی به کشورهای اقماری خود مانند ایران، اعطای سرمایه برای توسعه اقتصادی را جایگزین آن کند، لذا به منظور مصونیت رژیم‌های سیاسی هوادار غرب از نفوذ کمونیسم، برنامه‌هایی چون اصلاحات ارضی، بهبود نظام آموزشی، بهداشت، توسعه رفاه عمومی و مسائلی از این قبیل در اولویت قرار گرفت (بنگرید به: بیل، ۱۳۷۱: ۱۸۳-۲۱۶). بازسازی نظام برنامه و تجدیدنظر در برنامه‌های عمرانی، یکی از راهکارهای این معضل بود و در این راستا از گروه مشاوران دانشگاه هاروارد نیز برای تنظیم نخستین برنامه جامع اقتصادی-اجتماعی در تاریخ اقتصاد ایران یعنی برنامه سوم توسعه (بنگرید به: بالدوین، همان: ۸۷-۹۳؛ لیلان، ۱۳۹۲: ۲۳) استفاده گردید:

برنامه پنج ساله سوم که قرار است مجلس و شاه آن را تصویب کنند، در مقایسه با قوانین پنج ساله پیشین ارتباط بیشتری با واقعیت‌های اقتصادی جامعه دارد. برنامه پنج ساله سوم بر مسائل مهمی مانند کشاورزی، ارتباطات روستایی، آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی تأکید می‌ورزد (بارل، همان: ۸۳۸).

### ۲.۳ ماهیت برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم

سردمداران حکومت و دست‌اندرکاران ساختار اقتصادی کشور در صدد برآمدند تا برنامه سوم توسعه را که اجرای آن از مهرماه ۱۳۴۱ تا پایان سال ۱۳۴۶ش به طول انجامید، به عنوان اولین مرحله در یک مسیر طولانی، به منظور تبدیل ایران به یک جامعه توسعه‌یافته معرفی نمایند:

## ۸ تأثیر برنامه نوسازی حکومت پهلوی دوم بر کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران ...

برنامه عمرانی سوم، کشور را در راه رشد اقتصادی به پیش خواهد برد ولی صرفنظر از اینکه این برنامه تا چه حد موفقیت‌آمیز باشد، در سال ۱۳۴۶ ایران هنوز یک کشور کم‌رشد خواهد بود. لاقلاً یک نسل طول خواهد کشید تا تغییرات وسیعی در سازمان اقتصادی کشور، و رفتار و سنت‌های اجتماعی آن‌چنان‌که لازمه رشد سالم اقتصادی است بوجود آید. امروز کشور ما تازه اولین قدم را در راه یک رشد اقتصادی مداوم برداشته است (امور اقتصادی، بی تا: ۲۰).

در واقع، تحوّل سیمای کشور از یک جامعه روستایی و سنتی با اقتصاد کشاورزی به جامعه‌ای شهری و مدرن با اقتصاد صنعتی و سرمایه‌داری، البته طی یک دوره بلندمدت که حداقل بیست و پنج سال به طول می‌انجامد، هدف بلندمدت و بنیادین دست‌اندرکاران سازمان برنامه و طراحی برنامه‌های توسعه در ایران بود، ازین‌رو، از همان ابتدای کار، تمام توجه خود را بر روی این هدف متمرکز نمودند (همانجا). در مجموع، تفاوت برنامه سوم با برنامه‌های قبلی این بود که در آن به برنامه‌های اجتماعی، به‌خصوص آموزش و بهداشت، و خصوصاً به تبعات و پیامدهای اصلاحات ارضی و البته توسعه روستایی توجه زیادی گردید، ازین‌رو، طبیعتاً نه فقط یک برنامه اقتصادی، بلکه برنامه‌ای با صبغه اقتصادی اجتماعی محسوب می‌شد (بنگرید به: بالدوین، همان: ۷۵-۲۹۵؛ لیلاز، همان: ۷۵).

برنامه چهارم توسعه که مقطع زمانی اجرای آن بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ ش بود، با شرایطی بهتر نسبت به برنامه سوم کار خود را شروع نمود، چرا که در زمان آغاز این برنامه، تا حدود زیادی از تنش میان ایران و همسایه شمالی یعنی شوروی کاسته شده بود، ضمن این‌که حضور دولت باثبات امیرعباس هویدا و تعامل مناسب او با سازمان برنامه و بودجه، موجب شد تا این سازمان با تمرکز بیشتری برای موفقیت برنامه مذکور تلاش نماید (لیلاز، همان: ۱۷۳). مسئولان سازمان برنامه از همان ابتدا بر این باور بودند که «برنامه چهارم عمرانی ایران را می‌توان سرآغاز یکی از مهمترین و شکوهمندترین تحولات تاریخ ایران در سده اخیر دانست زیرا در خلال پنج سال تکامل آینده خواهد بود که جامعه ایران به مرحله جدید رشد و توسعه مداوم و مستمر اقتصادی قدم خواهد گذاشت... برنامه چهارم را به لحاظ تسریع رشد صنعتی و تعمیم رفاه اجتماعی، نقطه عطفی در تاریخ ایران می‌توان محسوب داشت. فی‌الحقیقه در مملکت ما هرگز این همه شرائط و موجبات برای ترقی و تعالی کشور فراهم نبوده است» (برنامه عمرانی چهارم، صفحه الف). مشخصات عمده برنامه چهارم که دست‌اندرکاران سازمان برنامه و بودجه، به آن اشاره نمودند، یکی، توجه خاص



به بخش صنعت، به‌علاوه رشد و توسعه در بخش کشاورزی، و شاخص دیگر این برنامه، رفاه عامه و بسط خدمات اجتماعی در میان قشرهای مختلف جامعه، و همچنین کاربرد روش‌های علمی نه فقط در صنایع و کارهای تولیدی بلکه در سایر فعالیت‌های اجتماعی بوده است (همانجا).

مسئولین سازمان برنامه و بودجه بر اساس ارزیابی کلی خود از برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم، به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم رشد سریع تولید ناخالص ملی، عوامل انسانی و اجتماعی تولید به اندازه کافی مورد تاکید قرار نگرفتند، در نتیجه، در برنامه پنجم توسعه باید شکاف فاحش میان سطح کلی رشد اقتصادی از یک طرف، و سطح زندگی، دانش و رفاه اکثریت مردم از سوی دیگر، کاهش یابد (سازمان برنامه: ۱۳۵۰: ۴۷). بر این اساس، خط‌مشی کلی برنامه پنجم بدین ترتیب تنظیم گردید: «در آینده باید پیشرفت اجتماعی موردتاکید و توجه خاص قرار گیرد و جهت اساسی برنامه‌های عمرانی آینده ایران، جبران عقب افتادگی‌های اجتماعی و ایجاد تعادل بین پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی تعیین گردد. با پیروی از این خط‌مشی اساسی، شالوده ساختمان یک جامعه نوین با تمدنی بزرگ و شکوفا ریخته خواهد شد، جامعه‌ای که در آن فقر و بیسوادی مصداقی ندارد و اکثریت قریب به اتفاق آن را یک طبقه متوسط مرفه تشکیل می‌دهند» (همان: ۴۸). در پرتو چشم‌انداز مذکور، اهداف اصلی برنامه پنجم، عبارت بود از: افزایش سریع سطح زندگی و رفاه و تامین اجتماعی گروه‌های عقب‌مانده، تامین اشتغال مولد در کلیه مناطق کشور، استفاده کامل از ظرفیت‌های تولیدی ایجاد شده در برنامه‌های عمرانی گذشته، حفظ رشد مداوم اقتصادی توأم با ثبات نسبی قیمت‌ها (همان: ۴۹).

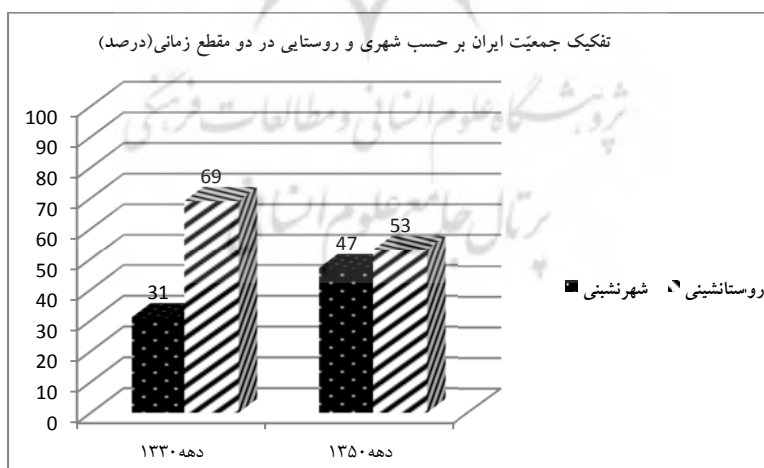
با همه این اوصاف و در مجموع، در نتیجه سه برنامه عمرانی مذکور، جامعه ایران دگرگونی‌های عمیق و تحولات گسترده‌ای را در زمینه اجتماعی-اقتصادی طی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی تجربه نمود (لیلاز، همان: ۴۹۷)، که البته بخش قابل توجهی از این تغییرات، به‌ویژه از منظر رفاه عمومی و عدالت اجتماعی، برای تعداد قابل توجهی از مردم پیامد چندان مثبتی به همراه نداشته، چنان‌که گسترش شکاف طبقاتی نمونه‌ای مبرهن و آشکار در این زمینه است (همان: ۵۵۱؛ بوستاک و جونز، همان: ۲۹۰-۲۹۱).

#### ۴. پیامد اجرای برنامه مدرنیزاسیون در مناطق شهری ایران

با اجرای برنامه مدرنیزاسیون در ایران طی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی، وضعیت جامعه شهری در این کشور طی دو دهه موردنظر، با تغییراتی محسوس و قابل توجهی همراه گردید، که در ادامه با تمرکز بر آماروارقام راجع به سه نوع از مولفه‌های مرتبط با نوسازی یعنی شهرنشینی، آموزش و تحصیلات علمی، همچنین اقتصاد صنعتی و سرمایه‌داری، به این روند دگرگونی اشاره خواهیم کرد.

#### ۱.۴ رشد شهرنشینی

در سال‌های میانی دهه سی شمسی یعنی تقریباً در آستانه اجرای پروژه مدرنیزاسیون از سوی حکومت پهلوی، ساکنان شهری کمتر از یک سوّم جمعیت کل کشور را دربر می‌گرفتند<sup>۱</sup>. این نرخ جمعیت شهرنشین در ایران، طی میانه دهه پنجاه شمسی به حدود نصف مجموع جمعیت ایران رسید<sup>۲</sup>. با این اوصاف، مقارن پایان برنامه مدرنیزاسیون در ایران، تقریباً نیمی از جمعیت کشور، در مناطق شهری می‌زیستند، که این بیانگر کاهش صیغه پُرننگ الگوی زیست روستایی و برجستگی مدل زندگی شهری در میان ساکنان ایران‌زمین در پایان دوره مدرنیزاسیون می‌باشد. من حیث المجموع، تعداد جمعیت شهرنشین در ایران طی این بیست سال، تقریباً سه برابر گردید، که رقم قابل ملاحظه‌ای است.



این مقوله یعنی گسترش شهرنشینی در ایران طی دهه‌های موردنظر، می‌توانست در کاهش کارکرد اقتصادی خانواده اثرگذار باشد، زیرا جدای از تخصصی‌شدن مشاغل و ویژگی تقسیم کار در مناطق شهری، با توجه به این‌که فعالیت‌های اقتصادی ساکنان شهری، به‌ویژه در دوره مدرن، در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری است، تولید کالا در درون خانه و کسب درآمد خانواده ازین طریق، به خارج از خانه یعنی اشتغال در کارخانه و دیگر نهادهای جامعه منتقل گردیده، بدین‌صورت، جدایی میان محل کار و زندگی اتفاق می‌افتد. خانواده که پیشتر کانون تولید اقتصادی بود، تبدیل به یک واحد مصرفی شده، کارکرد تولیدی خود را از دست می‌دهد. بنابراین، زیربنای اقتصادی خانواده‌ها در جوامع مدرن از درآمد عضو یا اعضای در خانواده تامین می‌شود که از راه شرکت در تولید یعنی کار بیرون از محیط خانواده به دست می‌آید (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۱۲۷-۱۲۹؛ اعزازی، ۱۳۷۶: ۳۸-۴۲ و ۱۷۰). همچنان‌که مطابق اظهار یکی از کارشناسان حوزه خانواده در ایران طی آن زمان:

گسترش سازمان‌های اداری و اجتماعی از یک‌سو، توسعه و پیشرفت وسایل تولیدی از سوی دیگر در شهرها نظام تولید بسته خانوادگی را متزلزل ساخت و خانواده به عنوان یک واحد تولید اقتصادی در شهرهای بزرگ مفهوم خود را از دست داد (آصفی، ۲۵۳۷: ۳۱).

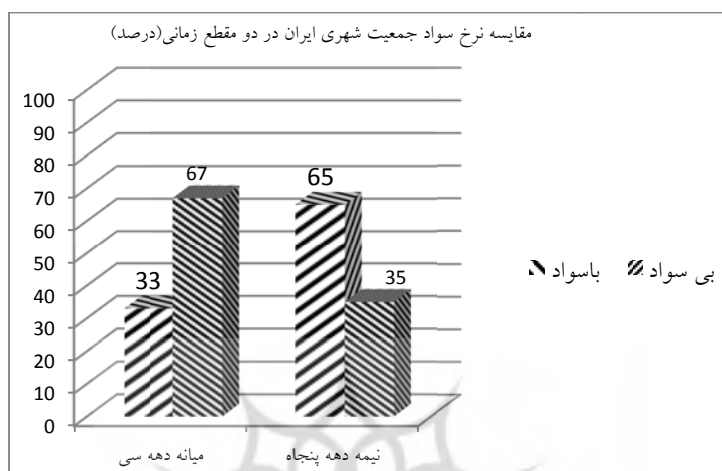
به علاوه، براساس روایت برخی دیگر از متخصصان خانواده در ایران طی همان برهه زمانی: «روستاییانی که به شهر آمده‌اند ترجیح می‌دهند که در صنایع و موسسات اقتصادی جدید همچون کارگر غیرماهر پذیرفته شوند، زیرا از این ممر، با مقایسه با خدمات خانگی، مزد بیشتری دریافت می‌توانند کرد و تحکم کمتر خواهند شنید» (بهنام و راسخ، ۱۳۴۸: ۱۷۱). با این اوصاف، با جذب نیروی کار به سوی کارخانه‌ها و مراکز تولیدی مدرن، طبیعتاً انتظار بر این است که کارگاه‌های خانگی و شیوه تولید دستی، حداقل در مناطق شهری ایران طی دو دهه پایانی حکومت پهلوی، روبه افول نهاده باشد.

## ۲.۴ گسترش آموزش و سطح سواد

در اواخر حکومت پهلوی که مقارن با پایان دوره نوسازی محسوب می‌شود، نرخ سواد جمعیت شهری ایران، در قیاس با بیست سال قبل از آن، رشد بسیار فراوانی داشته و تقریباً دو برابر گردید، چنان‌که قریب به دو سوم جمعیت شهری در کشور، طی میانه دهه پنجاه

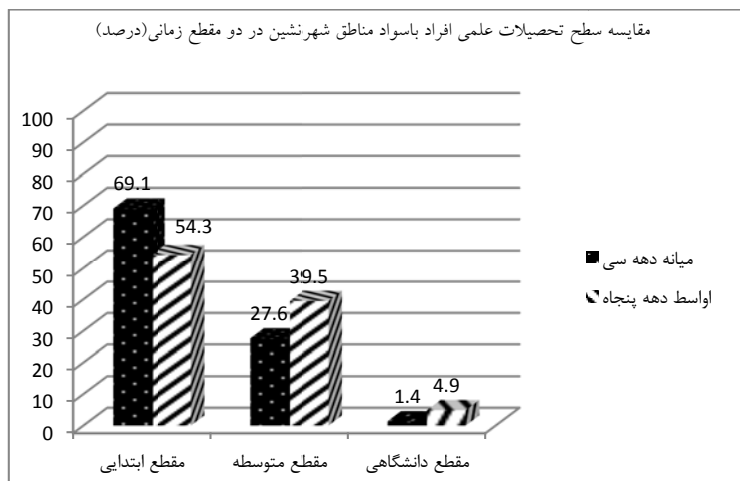
۱۲ تأثیر برنامه نوسازی حکومت پهلوی دوم بر کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران ...

شمسی، توانایی خواندن و نوشتن را داشتند<sup>۳</sup>. این در حالی بود که در میانه دهه شمسی، فقط یک سوّم جمعیت شهرنشین بالاتر از نُه سال، قادر به خواندن و نوشتن بودند<sup>۴</sup>.



علاوه بر نرخ سواد، از منظر سطح تحصیلات علمی نیز رشد نمایانی در جامعه شهری ایران طی دو دهه مذکور اتفاق افتاد، چنان‌که از نرخ افراد باسوادی که میزان تحصیلات آنان فقط تا یکی از پایه‌های مقطع ابتدایی بود، کاسته شد و بر تعداد دارندگان مدرک در مقاطع تحصیلی بالاتر افزوده گردید. طی میانه دهه پنجاه شمسی، تقریباً پنج درصد از مجموع اشخاصی که در زمره قشر باسواد جامعه شهری محسوب می‌شدند، توانستند وارد دانشگاه شوند و مدرک تحصیلی آکادمیک دریافت نمایند، که این، در مقایسه با بیست سال قبل از آن، به بیش از سه برابر افزایش یافت<sup>۵</sup>.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرسنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



متغیر سواد و تحصیلات علمی می‌تواند با اثرگذاری بر روی ارزش‌ها، بینش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه، و دگرگون نمودن رویکرد فکری اشخاص، تبعات شگرف و قابل توجهی در همه ابعاد خانواده منجمله کارکرد اقتصادی این نهاد داشته باشد. ظهور و گسترش فزاینده نهاد رسمی آموزش یعنی مدارس و دانشگاه‌ها در جامعه آن برهه زمانی ایران، سبب حضور قسمت مهمی از نیروی کار خانوادگی یعنی فرزندان کودک و نوجوان در مدارس گردید، ضمن این‌که همین آموزش و تحصیلات علمی، آنان را برای کسب تخصص در راستای کسب مشاغل مناسب آماده می‌کرد. مطابق اظهار برخی متخصصان خانواده در ایران آن زمان:

اقتصاد جدید که مشاغل غیرکشاورزی را توسعه داده، کار کودکان را تقریباً عبث گردانیده است. قانون منع کار کودکان از جهتی و رواج روزافزون تعلیمات ابتدایی از جهت دیگر، اطفال را تا سن بلوغ، افرادی غیرمولد کرده و ازین رو نفعی بر کثرت فرزند مترتب نمی‌شود (بهنام و راسخ، همان: ۱۷۳).

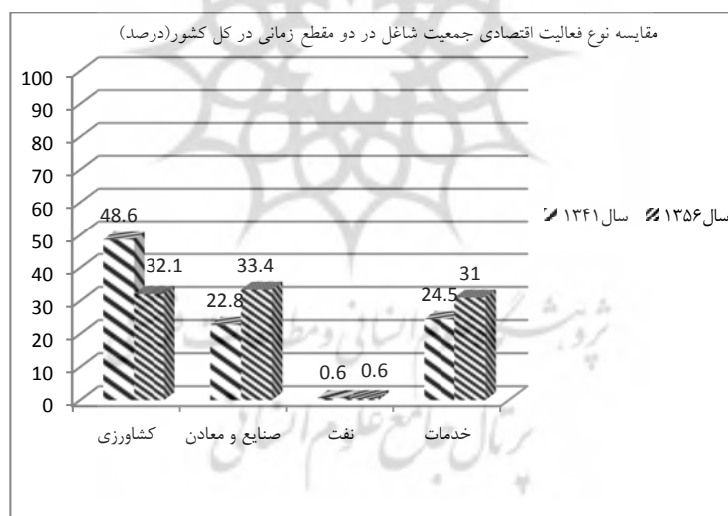
این موضوع یعنی اشتیاق برای حضور کودکان و نوجوانان در مدارس، در بین خانواده‌های شهرنشین، با توجه به رشد سطح فکری و البته رفاه اقتصادی و امکانات معیشتی بیشتر در شهرها نسبت به روستا، برجسته‌تر بود، برای نمونه، مطابق نتایج یک بررسی میدانی در نواحی مرکزی ایران (اراک و روستاهای اطراف)، عقیده والدین در مورد ادامه تحصیل یا اشتغال به کار فرزندان در سنین نوجوانی، با یکدیگر تفاوت داشت، به طوری که اکثریت زنان و مردان شهری، که از تحصیلات علمی و آموزش بالاتری بهره‌مند

۱۴ تأثیر برنامه نوسازی حکومت پهلوی دوم بر کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران ...

بودند، سن ۲۵ سالگی را برای شروع به کار فرزند پسر، مناسب می‌دانستند، اما در سوی دیگر، حدود نیمی از روستاییان، به‌خاطر افکار سنتی و سطح فکری-فرهنگی پایین، بر این اعتقاد بودند که فرزند ذکور باید در سن کمتر از ۱۴ سالگی شروع به کار نماید (مصطفی، ۲۵۳۶: ۵۵-۵۶).

### ۳.۴ توسعه اقتصاد سرمایه‌داری و صنعتی

آماروداده‌های کمی حکایت از این دارد که سهم حوزه صنعت و خدمات در جذب نیروی شاغل کشور، طی آغاز دوره نوسازی تا اواسط دهه پنجاه شمسی، با رشد قابل‌توجهی همراه بوده است، چنان‌که این دو حوزه اقتصادی، در مجموع قریب به دو سوم کل شاغلین کشور را به خود اختصاص داده بودند، در حالی‌که طی این مدت زمانی، بخش کشاورزی با یک روند افولی مواجه گردیده، فقط یک سوم از افراد شاغل کشور در این زمینه فعالیت می‌کردند (سوداگر، ۱۳۶۹: ۶۷۲).



آمار فوق‌الذکر راجع به کل مناطق ایران بود، اما اگر بخواهیم بر روی حوزه فعالیت افراد شاغل در نواحی شهرنشین متمرکز شویم، اعداد و ارقام باز هم حکایت از روند صعودی نرخ شاغلین حوزه اقتصاد صنعتی طی دو دهه موردنظر دارد، گرچه نرخ نسبی این افزایش، نامحسوس و جزئی می‌باشد<sup>۱۱</sup> ولی باید به این نکته توجه کنیم که در مناطق شهری، اقتصاد

کشاورزی بسیار کم‌رنگ است و نمی‌توان شاغلین حوزه صنعت را با حوزه کشاورزی سنجید. ضمن این‌که، شایان ذکر می‌باشد، در وضعیتی که به دلیل رشد شدید جمعیتی طی دو دهه مذکور، تعداد کثیری وارد بازار کار شدند، حتی این افزایش جزئی در نرخ نسبی افراد فعال در حوزه صنعت، مترادف با افزایش قابل ملاحظه نرخ مطلق تعداد شاغلین صنعتی در مقطع زمانی موردنظر بود.

این مولفه نوسازی یعنی گسترش مناسبات سرمایه‌داری و استقرار صنایع ماشینی هم می‌تواند در افول کارکرد اقتصادی خانواده تأثیرگذار ظاهر شود، چرا که، همان‌طور که یکی از پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی در ایران طی آن برهه زمانی در پی انجام تحقیقات خود، به این نتیجه رسید، کارخانجات و مراکز عمده صنعتی نه تنها با محصولات ماشینی خود، موجبات اضمحلال تولیدات خانگی مبتنی بر صنایع دستی را فراهم می‌کنند، بلکه سبب جذب کارگران متخصص صنایع خانگی به سوی کارخانه‌های بزرگ صنعتی می‌شوند، که این می‌تواند تعطیلی کارگاه‌های خانگی را به دنبال داشته باشد (طیبی، ۱۳۴۹: ۵۶). همین‌طور، بر اساس اظهاری دیگر از سوی برخی صاحب‌نظران حوزه خانواده ایرانی در آن زمان:

از جمله این نیروهای مورد تحول، یکی نفوذ تمدن مغرب‌زمین و سوق از اقتصاد روستائی و کشاورزی به اقتصاد شهری و صنعتی بود. صنعت جدید با اقتصاد خانگی سرشته قدیم منافات دارد و جمع خانوادگی را پراکنده می‌کند و اختیارات خانواده را کاهش می‌دهد (بهنام و راسخ، همان: ۱۱۷).



من حیث المجموع، در پی اجرای برنامه مدرنیزاسیون از سوی حکومت پهلوی دوم، و پس از این که سه دوره پنج ساله از برنامه عمرانی کشور سپری شد، جامعه ایران، به خصوص مناطق شهری، دگرگونی قابل ملاحظه‌ای را تجربه نمود، تغییراتی که در بسیاری از ابعاد، محسوس و نمایان بود. تعداد جمعیت شهرنشین طی بیست سال به حدود سه برابر رسید، چنان که قریب به نیمی از ساکنان ایران، در میانه دهه پنجاه شمسی، شهرنشین بودند. در همین مقطع زمانی، نرخ سواد جمعیت نیز در شهرهای ایران، بسیار برجسته بود، چرا که این نرخ به حدود دو برابر رسید، این در حالی است که از جنبه سطح تحصیلات هم رشد نسبتاً چشمگیری طی این بیست سال در مناطق شهری اتفاق افتاد، چنان که به میزان تقریباً محسوسی از دارندگان مدرک تحصیلی ابتدایی کاسته شد و بر میزان اشخاصی که دارای مدارک علمی بالاتر بودند، افزوده گردید، فی‌المثل دانش‌آموختگان مقطع تحصیلی آکادمیک، سه برابر شد. در زمینه اقتصاد سرمایه‌داری و صنعتی نیز باید عنوان نمود که انقلاب سفید و اصلاحات ارضی طی دهه چهل شمسی، مناسبات فنودالی را در ایران تقریباً ریشه‌کن نمود و بیش از پیش به روابط سرمایه‌داری پروبال داد. اقتصاد کشاورزی تاحدودی کم‌رنگ شد و جای آن را اقتصاد صنعتی گرفت. با این اوصاف، و در نتیجه تحولاتی که در اوضاع جامعه شهری ایران، نشأت گرفته از برنامه مدرنیزاسیون حکومت پهلوی دوم طی دو دهه چهل و پنجاه شمسی اتفاق افتاد، انتظار بر این بود تا میزان کارکرد اقتصادی خانواده نیز دچار تغییراتی شود.



## ۵. تغییر در میزان کارکرد اقتصادی خانواده

به منظور ارائه کارکرد اقتصادی خانواده، دو شاخص را می‌توان مورد توجه قرار داد. معیار اول، تعداد صنایع خانگی<sup>۷</sup> است، چرا که این صنایع در درون خانه و به وسیله اعضای خانواده تهیه گردیده و برای ساختن کالا، به هیچ یک از اعضاء، دستمزدی پرداخت نمی‌شد. این صنایع یا به وسیله سرپرست خانواده به فروش رسیده و از پول آن برای امرار معاش و پرداخت هزینه خانواده استفاده می‌گردید، ازین رو، خانواده، صیغه یک واحد تولیدی پیدا می‌کرد، یا آن‌که، وسیله ساخته شده مورد نظر، برای مصرف خانگی مورد کاربرد قرار می‌گرفت که در اینجا، خانواده، نقش یک واحد تولیدی-مصرفی را بازی می‌کرد. در آستانه اجرای برنامه مدرنیزاسیون، کمتر از هشت درصد خانواده‌های ایرانی در مناطق شهری دارای صنعت خانگی بوده، و اعضای آن به صورت دستی و غیرماشینی برای تولید کالا فعالیت می‌کردند. معیار دوم در اینجا، برای واکاوی و اندازه‌گیری کارکرد اقتصادی خانواده، تعداد کارکنان خانوادگی بدون مزد می‌باشد. اگرچه این نوع کارگران فاقد مزد که از اعضای خانواده تشکیل می‌شود، در مناطق روستایی و غیرشهری که مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و شیوه تولید زراعی است، بسیار چشمگیر بوده و اهمیت فراوانی در نیروی کار دارد، با این حال، در مناطق شهری، به خصوص قبل از دوره مدرن و صنعتی شدن جوامع، در زمینه صنایع دستی و خانگی که توسط اعضای خانواده در درون خانه تولید می‌شد، نمود و جلوه خاصی داشت. در آستانه اجرای برنامه مدرنیزاسیون، تقریباً در ازاء هر هزار نفر شاغل در نواحی شهری ایران، بیست و پنج نفر در زمره کارگرانی محسوب می‌شدند که در درون خانه مشغول تولید کالایی بوده، و در ازاء کار خود دستمزدی دریافت نمی‌کردند.<sup>۸</sup>

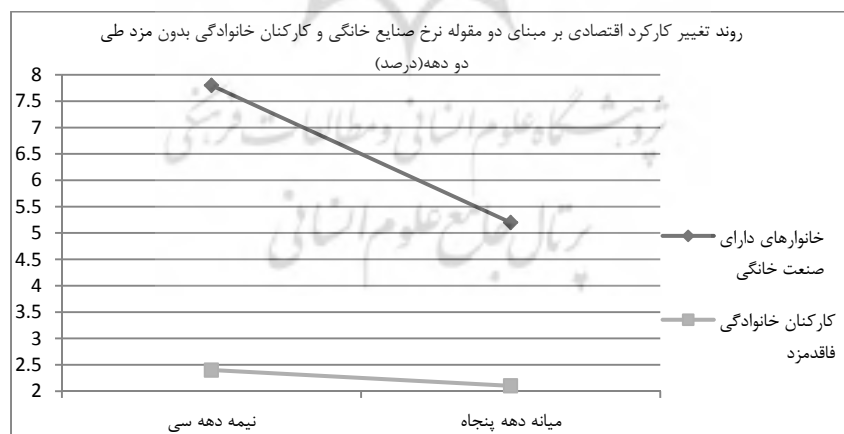
### ۱.۵ نرخ صنایع خانگی

در رابطه با میزان خانواده‌هایی که اعضای آن در درون منزل، بر روی یک یا چند صنعت خانگی، به همان سبک و سیاق قدیمی یعنی به صورت روش تولید خرده کالایی دستی و غیرماشینی فعالیت می‌کردند، آمارها حکایت از کاهش نسبتاً محسوس این نوع خانواده‌ها در مناطق شهری ایران طی دهه سی تا پنجاه شمسی دارد، چنان‌که در آستانه اجرای برنامه مدرنیزاسیون، کمتر از هشت درصد خانواده‌های ایرانی در مناطق شهری دارای صنعت خانگی بوده، و اعضای آن به صورت دستی و غیرماشینی برای تولید کالا فعالیت

می‌کردند<sup>۱۱</sup>، اما این نرخ در دو دهه بعد از آن، به حدود پنج درصد از مجموع خانوارهای شهرنشین ایرانی تنزل یافت<sup>۱۱</sup>.

## ۲.۵ نرخ کارکنان خانوادگی بدون مزد

در رابطه با میزان کارکنان خانوادگی فاقد دستمزد هم باید عنوان نمود که، اگرچه این نوع کارگران که متشکل از اعضای خانواده بود، در مناطق روستایی و غیرشهری که مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و شیوه تولید زراعی است، بسیار چشمگیرتر به نظر می‌رسید و اهمیت فراوانی در نیروی کار داشته، با این حال، در مناطق شهری، به‌خصوص قبل از دوره مدرن و صنعتی شدن جوامع، در زمینه صنایع دستی و خانگی که توسط اعضای خانواده در درون منزل به شیوه سنتی و دستی تولید می‌شد، نمود و جلوه خاصی داشته است. در آستانه اجرای برنامه مدرنیزاسیون، تقریباً در ازاء هزار نفر شاغل در نواحی شهری ایران، بیست و پنج نفر در زمره کارگرانی محسوب می‌شدند که در درون خانه مشغول تولید کالایی بوده، و در ازاء کار خود دستمزدی دریافت نمی‌کردند<sup>۱۲</sup>. این نرخ در بیست سال بعد از آن یعنی در نیمه دهه پنجاه شمسی به بیست و یک نفر به ازاء هزار نفر تقلیل پیدا کرد<sup>۱۳</sup>. در مجموع، آماروارقام این دو شاخص در سطح مناطق شهری کشور، حکایت از کاهش کارکرد اقتصادی خانواده در ایران، طی دوره زمانی موردنظر، دارد.



## ۶. نتیجه گیری

فضای خفقان سیاسی در کشور طی دهه سی شمسی با رکود اقتصادی و معضلات اجتماعی ناشی از تورم و کمبود شدید امکانات زیستی جامعه طی همان برهه زمانی، دست به دست هم داد تا پایه‌های حکومت پهلوی، که هنوز بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش فاقد استحکام لازم بود، بیش از پیش سست و متزلزل به نظر آید، این مسئله، مهمترین حامی خارجی رژیم پهلوی طی این مقطع زمانی یعنی ایالات متحده امریکا، که خود در اوج جنگ سرد با شوروی به سر می‌برد، را واداشت تا به منظور جلوگیری از رخنه کمونیسم در ایران و روی کارآمدن حکومتی تحت نفوذ شوروی در کشور مذکور، سران حکومت پهلوی را مجبور به ایجاد اصلاحات بنیادین اجتماعی و اقتصادی در جامعه عقب‌مانده ایران نماید. ازین رو، در آغاز دهه چهل شمسی، برنامه‌ریزی نظام‌مند بلندمدت در راستای انجام کارهای عمرانی و نوسازی در ایران از سوی سازمان برنامه و بودجه تدوین و اجرایی گردید. هدف از اجرای این برنامه مدرنیزاسیون در کشور، تبدیل ایران از یک جامعه سنتی و عقب‌مانده با اقتصاد کشاورزی بر مبنای مناسبات فئودالی به یک کشور مدرن و پیشرفته با اقتصاد صنعتی بر اساس مناسبات سرمایه‌داری بود، ضمن این‌که با بهبود رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی در جامعه، اکثریت توده مردم را که طی آن زمان در فقر و فلاکت می‌زیسته و عمدتاً از حداقل امکانات زیستی و معیشتی محروم بودند، از این اوضاع اسفناک برهانند. جدای از مساعدت دولت امریکا و دیگر متحدان غربی حکومت پهلوی دوم، درآمد سرشار ناشی از فروش نفت نیز می‌توانست پشتوانه بسیار ارزنده و موثری برای این حرکت به سوی پیشرفت اجتماعی و اقتصادی در کشور به شمار آمده، زمامداران رژیم پهلوی را در این مسیر یاری نماید. تکاپوی فراوان و بودجه قابل توجهی که از سوی سازمان برنامه در راستای افزایش نقش صنعت در اقتصاد کشور اعم از امور مربوط به تولید ناخالص داخلی و اشتغال‌زایی، بهبود امکانات رفاهی و زیرساختی در مناطق شهری، ترقی خدمات بهداشتی، درمانی و معیشتی در جامعه، و همچنین گسترش سواد و آموزش علمی در میان افراد کشور، طی سه برنامه عمرانی سوم تا پنجم به عمل آمد، بیانگر تمرکز جدی حکومت وقت برای تغییر در جامعه ایران طی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی است. نتایج این اقدامات، اگرچه در مناطق روستایی کمتر به چشم می‌آمد، اما در مناطق شهری، به‌طور قابل توجهی محسوس بود، چنان‌که آمارها حکایت از این دارد، طی بیست سال موردنظر، جامعه شهری ایران از منظر افزایش شهرنشینی، بهبود موقعیت اجتماعی بانوان، افزایش

سواد و تحصیلات علمی، و همچنین شکوفایی اقتصاد صنعتی و سرمایه‌داری، رشد نسبتاً برجسته‌ای داشته است. ازین رو، با توجه به این که خانواده به مثابه یکی از اجزای جامعه، می‌توانست از این روند دگرگونی اجتماعی-اقتصادی متأثر گردد، چنین نیز اتفاق افتاد، چرا که طی دو دهه مورد بحث، در زمینه کارکرد اقتصادی خانواده، تغییراتی رخ داد، چنان که با بروز نوسازی در جامعه و پیامدهای ناشی از آن، این نوع کارکرد خانواده در مناطق شهری ایران، در عرصه صنایع خانگی و تولید کالا، روبه تقلیل نهاده، کارکرد خانواده در این زمینه، بیش از پیش، صبغه کم‌رنگ‌تری پیدا کرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. نرخ نسبی شهرنشینی در ایران را از جدول شماره ۳ جمعیت برحسب سن و جنس و به تفکیک ساکنین شهرنشین و ده نشین در ایران) که در صفحه ۵ از جلد دوم کتاب «گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ش» قرار دارد، با تقسیم تعداد افراد شهرنشین بر مجموع ساکنان ایران ضرب در صد، حاصل گردید.
۲. نرخ نسبی شهرنشینی در ایران طی سال ۱۳۵۵ش را می‌توان با رجوع به جدول شماره ۱ (جمعیت کل برحسب جنس و سن) صفحات ۱-۲ کتاب «سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانامه ۱۳۵۵: کل کشور» از طریق تقسیم تعداد افراد شهرنشین بر مجموع ساکنان ایران، ضرب در صد، بدست آورد.
۳. نرخ سواد جمعیت در مجموع مناطق شهری ایران طی اواسط دهه پنجاه شمسی با مراجعه به جدول شماره ۹ (جمعیت ۶ساله و بیشتر برحسب جنس و سن و وضع سواد) صفحه ۲۶ از کتاب سرشماری سال ۱۳۵۵ از طریق تقسیم تعداد افرادی که قادر به خواندن و نوشتن بودند بر مجموع افراد شش سال و بیشتر در نواحی شهرنشین ایران ضرب در صد، قابل حصول می‌باشد.
۴. نرخ نسبی سواد جمعیت در مجموع مناطق شهری ایران از جدول شماره ۷ (وضع سواد برحسب سن و جنس و به تفکیک ساکنین شهرنشین و ده نشین در جمعیت از ده سال به بالا) که در صفحات ۴۶-۴۸ از جلد دوم کتاب سرشماری سال ۱۳۳۵ قرار دارد، با تقسیم اشخاص باسواد بر مجموع افراد شهرنشین ضرب در صد بدست آمد.
۵. دستیابی به سطح تحصیلات علمی افراد باسواد در مناطق شهری ایران بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۵۵ش، با توجه به جداول مجزا و متفاوت ارائه شده در این سرشماری، کمی پیچیده و دشوار است، چنان که باید دو جدول شماره ۱۰ (جمعیت غیرمحصّل باسواد ۶ساله و بیشتر برحسب جنس و سن) و شماره ۱۴ (جمعیت محصل ۶ساله و بیشتر برحسب جنس و سن و

دوره و پایه تحصیلی) از کتاب سرشماری سال ۱۳۵۵ را مورد رجوع قرار داده، ابتدا میزان تحصیلات افراد غیرمحصّل و پایه تحصیلی اشخاص محصّل را به سه بخش عمده ابتدایی، متوسطه، و دانشگاهی تفکیک نمود، سپس تعداد دارندگان مدرک (غیرمحصّل) و تعداد افراد مشغول به تحصیل در هر یک از سه مقطع ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را به طور مجزاً جمع کرده، مجموع تعداد هر کدام از این مقاطع سه گانه را بر کُلّ افراد محصّل و غیرمحصّل باسواد (منهای تعداد کسانی که تحصیلات غیررسمی داشتند) تقسیم می‌کنیم، و در نهایت هم نتیجه آن را ضرب در صد می‌نماییم که بدین ترتیب، نرخ نسبی دارندگان هریک از مدارک تحصیلی ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی در مناطق شهری ایران، بدست می‌آید.

۶. نرخ نسبی شاغلین حوزه صنعت در مجموع مناطق شهری ایران با مراجعه به جدول شماره ۲۳ (جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر برحسب جنس و سن و گروه عمده فعالیت) صفحه ۷۴ از کتاب سرشماری سال ۱۳۵۵ اش از طریق تقسیم تعداد شاغلین گروه‌های شغلی مرتبط با حوزه صنعت (استخراج معادن، صنعت، ساختمان، و برق، آب، گاز) بر مجموع افراد شاغل شهرنشین، ضرب در صد، بدست می‌آید.

۷. در تعریف مفهوم صنایع خانگی در سرشماری ۱۳۳۵ اش چنین ذکر شد: در مواردی که کالائی در منزل به منظور فروش یا استفاده به طور مرتب ساخته می‌شود، خانوار مربوطه در طبقه بندی خانوارهایی که دارای صنایع خانگی بودند محسوب گردید.

۸. به منظور محاسبه میانگین نرخ نسبی خانوارهای فعال در حوزه صنعت خانگی در مناطق شهری ایران، مجموع صنایع خانگی در نواحی شهری را که اعداد اوزار قام آن در جدول شماره ۳۲ (صنایع خانگی برحسب جمعیت شهرنشین و ده نشین در ایران) صفحه ۴۷۱ از کتاب سرشماری سال ۱۳۳۵ اش موجود می‌باشد را بر مجموع خانوارهای شهرنشین که در جدول ۲۸ (تعداد خانوار برحسب تعداد افراد باسواد هر خانوار و به تفکیک ساکنین شهرنشین و ده نشین در ایران) صفحه ۴۱۳ وجود دارد، تقسیم نموده، ضرب در صد می‌کنیم.

۹. نرخ نسبی کارکنان خانوادگی بدون مزد در مجموع مناطق شهری ایران را با رجوع به جدول شماره ۲۲ (طبقات مشاغل برحسب وضع اشتغال و جنس و به تفکیک ساکنین شهرنشین و ده نشین در جمعیت شاغل به کار از ده سال به بالا) صص ۳۲۸-۳۲۹ از جلد دوم کتاب سرشماری ۱۳۳۵ می‌توان محاسبه نمود، چنان که در آنجا وضعیت شغلی افراد شاغل اعم از مزدبگیر، کارکنان خانوادگی، مستخدم دولت، کارکنان مستقل وجود دارد، که با تفکیک آن به دو گروه کارکنان خانوادگی و غیره، می‌توان تعداد کارکنان خانوادگی را بر مجموع افراد شاغل تقسیم نمود، سپس ضرب در صد کرد.

۱۰. به منظور محاسبه میانگین نرخ نسبی خانوارهای فعال در حوزه صنعت خانگی در مناطق شهری ایران، مجموع صنایع خانگی در نواحی شهری را که اعداد و ارقام آن در جدول شماره ۳۲ (صنایع خانگی برحسب جمعیت شهرنشین و ده نشین در ایران) صفحه ۴۷۱ از کتاب سرشماری سال ۱۳۳۵ موجود می باشد را بر مجموع خانوارهای شهرنشین که در جدول ۲۸ (تعداد خانوار برحسب تعداد افراد باسواد هر خانوار و به تفکیک ساکنین شهرنشین و ده نشین در ایران) صفحه ۴۱۳ وجود دارد، تقسیم نموده، ضرب در صد می کنیم.

۱۱. این نرخ نسبی در مجموع مناطق شهری ایران طی اواسط دهه پنجاه شمسی با مراجعه به جدول شماره ۳۷ (تعداد کل خانوارهای معمولی برحسب انواع صنایع خانگی در مناطق مختلف) صفحه ۱۴۳ از کتاب سرشماری سال ۱۳۵۵ از طریق تقسیم تعداد خانوارهای دارای حداقل یک صنعت خانگی بر مجموع خانوارهای شهرنشین، ضرب در صد، بدست می آید.

۱۲. نرخ نسبی کارکنان خانوادگی بدون مزد در مجموع مناطق شهری ایران را با رجوع به جدول شماره ۲۲ (طبقات مشاغل برحسب وضع اشتغال و جنی و به تفکیک ساکنین شهرنشین و ده نشین در جمعیت شاغل به کار از ده سال به بالا) صص ۳۲۸-۳۲۹ از جلد دوم کتاب سرشماری سال ۱۳۳۵ می توان محاسبه نمود، چنان که در آنجا وضعیت شغلی افراد شاغل اعم از مزدبگیر، کارکنان خانوادگی، مستخدم دولت، کارکنان مستقل وجود دارد، که با تفکیک آن به دو گروه کارکنان خانوادگی و غیره، می توان تعداد کارکنان خانوادگی را بر مجموع افراد شاغل تقسیم نمود، سپس ضرب در صد کرد.

۱۳. این نرخ نسبی در مجموع مناطق شهری ایران طی میانه دهه پنجاه شمسی با رجوع به جدول شماره ۲۱ (جمعیت شاغل ۱۰ساله و بیشتر برحسب جنس و گروه عمده شغلی و وضع شغلی) صفحه ۶۸ از کتاب سرشماری سال ۱۳۵۵ از طریق تقسیم تعداد افراد شاغل شهرنشینی که در وضعیت شغلی کارکنان خانوادگی بدون مزد قرار داشتند، بر مجموع افراد شاغل در نواحی شهرنشین ایران، ضرب در صد، قابل دستیابی می باشد.

## کتابنامه

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت.
- آصفی، آصفه (۲۵۳۷). زندگی در خانواده، تهران: انتشارات انجمن ملی اولیا و مربیان.
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا (۱۳۸۶). دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، کتاب هفتم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- امور اقتصادی سازمان برنامه (بی تا). گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران از مهر ۱۳۴۱ تا پایان ۱۳۴۶، بی جا: بی نا.
- بارل، آر.ام (۱۳۸۹). یادداشت‌های سیاسی ایران ۱۲۶۰-۱۳۴۴، ج ۱۴، ترجمه: افشار امیری، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب.
- بالدوین، جورج (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی و توسعه در ایران، ترجمه: میکائیل عظیمی، تهران: انتشارات علم.
- برنامه عمرانی چهارم کشور ۱۳۴۷-۱۳۵۱، تهران: سازمان برنامه، بی تا.
- بوستاک، فرانسیس و جفری جونز (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی و قدرت در ایران (ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی زیر سلطه شاه)، ترجمه: پازوکی و حبیبی، تهران: کویر.
- بهنام، جمشید و شاپور راسخ (۱۳۴۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: خوارزمی.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱). شیرو عقاب، ترجمه: فروزنده برلیان، تهران: فاخته.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۱). پاسخ به تاریخ، ترجمه: حسین ابوترابیان، تهران: ابوترابیان.
- زاهدی، محمدجواد و هوشنگ ناییبی (۱۳۹۲). «تبیین جامعه‌شناختی تاثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- زاهدی، محمدجواد و عمر خضر نژاد (۱۳۹۲). «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۴ شماره ۱.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۰). خطوط کلی برنامه عمرانی پنجم ایران ۱۳۵۲-۱۳۵۶، بی جا: بی نا، اسفند ۱۳۵۰.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵، کل کشور (جلد صد و هشتاد و ششم)، سازمان برنامه و بودجه: مرکز آمار ایران، بی تا.
- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه: محمدصادق مهدوی، تهران: نشر دانشگاهی.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹). رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله گسترش)، تهران: انتشارات شعله اندیشه.
- طیبی، حشمت‌اله (۱۳۴۹). «صنایع خانگی در ایران»، دانشگاه تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- گازیوروسکی، مارک (۱۳۷۱). سیاست خارجی امریکا و شاه، ترجمه: فریدون فاطمی، تهران: مرکز.
- گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور ایران در آبانماه ۱۳۳۵، جلد دوم (مشخصات جمعیت و خانوار کشور)، وزارت کشور: آمار عمومی، آبانماه ۱۳۴۰ ش.
- لیلاز، سعید (۱۳۹۲). موج دوم تجدد آمرانه در ایران، تهران: نیلوفر.
- محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۸۸). «سنت، نوسازی و خانواده»، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴.

۲۴ تأثیر برنامه نوسازی حکومت پهلوی دوم بر کارکرد اقتصادی خانواده در مناطق شهری ایران ...

مصطفی ابیانه، پروین (۲۵۳۵). «تأثیر مهاجرت در تغییر گرایشهای والدین در جهت امروری شدن افکار آنان»، دانشگاه تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.  
نازک تبار، حسین و دیگران (۱۳۹۴). «تحلیلی بر نوسازی و کارکرد خانواده در استان مازندران»، مطالعات زن و خانواده، دوره ۳، شماره ۲.

Baerwald, Friedrich (۱۹۵۵). «The Family as an Economic Unit», *Fordham Law Review*, Volume 24, Issue 1.

Canning, David & Marc Mitchell, David Bloom. «The Family and Economic Development», <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/summary?doi=10.1.1.194.8310>

Goode, William j (1963). *world revolution and family patterns*, New York: Free press.

Kavas, Serap & Arland Thornton (2013). «Adjustment and Hybridity in Turkish Family Change :Perspectives from Developmental Idealism». *Journal of Family History*, Vol 38, Issue 2.

Popenoe, David (2012). *Disturbing the nest family change and decline in modern societies*, new jersey: new Brunswick, 2012.

Ting, Cao (2012). *The impacts of modernity on family structure and function*, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Social Sciences (Sociology), Lingnan university.

